

اصلاح قانون مهریه، رفتار زوجین را هم تغییر می دهد

افزایش شروط ضمن عقد، مراجعه بیشتر به مشاوره های حقوقی و تغییر نگرش زنان به امنیت از دواج از جمله پیامدهای قانون جدید مهریه است



بحث اصلاح قانون مهر به بار دیگر در نقطه مرکزی سیاستگذاری خانواده قرار گرفته است. مجلس و نهادهای حقوقی با هدف ساماندهی وضعیت مهریه های سنگین و کاهش آثار اقتصادی و قضایی آن در حال پیشبرد طرح هایی برای محدودسازی سکه و باز تعریف ضمانت اجرای مهریه هستند. این اصلاحات، در ذات خود تلاشی برای به روز کردن قانون با واقعیت های جدید جامعه است، اما مسئله مهمی در پشت این تغییرات وجود دارد مبتنی بر اینکه «قانون چگونه رفتار مردم را باز تعریف می کند؟» پاسخ به این سؤال را باید کسانی دهند که اصلاحات قانون را با شرایط فعلی ضروری می دانند. مهم تر اینکه اگر قانون «مهریه» را سبک کند، آیا مردم هم سبکبال تر خواهند شد؟ انگارنده در این گزارش تلاش کرده این پرسش را بررسی کند که تغییرات در قانون مهریه چه پیامدهایی در رفتار اجتماعی، امنیت حقوقی زنان و روابط خانوادگی خواهد داشت و چگونه می توان میان «سبک سازی بار قانونی» و «حفظ تعادل حقوقی میان دو طرف ازدواج» توازن برقرار کرد.

■ ■ ■

۱- مهریه؛ حاصل فرهنگ یا حاصل ساختار حقوقی؟

مهریه در جامعه ایرانی، تنها یک سنت مذهبی یا عرف خانوادگی نیست، بلکه به نوعی «تهاد حقوقی- اجتماعی» با کارکرد نمادین و واقعی در زمان بروز اختلاف است. در ادبیات شرعی، مهریه هدیه ای محترمانه و نمادین است، اما در ساختار حقوقی و اجتماعی امروز، درست با غلط مهریه «قش جبرانی» پیدا کرده است؛ نقشی که بسیاری از جوامع از طریق مجموعه ای از قوانین حمایتی تأمین می کنند. اگر زنان در جامعه با برخی حمایت ها همراه باشند، مهریه به خودی خود اهمیت سابق را نخواهد داشت، اما تازمانی که نهادهای حمایتی کامل نشده اند، واقعیت آن است که مهریه هنوز برای بسیاری از خانواده ها «تکیه گاه امنیتی» محسوب می شود. در چنین شرایطی هر تغییری در قانون مهریه، به طور مستقیم بر احساس امنیت طرفین اثر می گذارد.

این نگرانی، نه سیاسی است و نه مخالف اصلاحات، فقط یک ضرورت را روشن می کند مبتنی بر اینکه قانون وقتی یک ابزار را کم رنگ می کند، باید ابزار جایگزین ارائه دهد تا توازن حقوقی برهم نخورد.»

۲- چرا اصلاح مهریه ضروری است؟

جرم انگاری مهریه های سنگین، افزایش افراطی پرونده های مطالبه مهریه، اختلافات خانوادگی بر سر بدهی مهریه و حتی گرفتاری برخی مردان در فرآیند اجرای احکام، همه نشان می دهد که مدل سنتی مهریه دیگر با ساختار اقتصادی امروز همخوانی ندارد. از سوی دیگر، تورم و نوسان قیمت سکه باعث شده است که عدد مهریه امروز، هیچ نسبتی با قدرت پرداخت فرد در آینده نداشته باشد. نتیجه این شده که در بسیاری از ازدواج ها، طرفین از ابتدا می دانند که مهریه عملاً قابل پرداخت نیست و فقط «تیت» می شود نه «اعمال» چه بسا در برخی مواقع اهرم فشار مواقع خاص هم بشود. بنابراین اصلاح قانون مهریه هم برای کاهش آسیب های حقوقی، هم برای بازگرداندن مهریه به کارکرد اصلی خود اساساً ضروری است، اما پرسش کلیدی این است «اصلاحات جدید چگونه انجام شود تا ضمن کاهش هزینه های اجتماعی، احساس امنیت خانواده ها هم حفظ شود؟»

۳- اصلاح مهریه و مسئله امنیت؛ چگونه توازن رعایت شود؟

در طرح های جدید، بحث هایی مثل محدودسازی مهریه به ارزش پولی، تعیین سقف برای سکه، یا ایجاد سازوکار پرداخت اقساطی مطرح شده است. این اقدامات اگر همراه

هر چند برخی معتقدند تغییر قانون مهریه ضروری و منصفانه است، اما برخی دیگر آن را ناتمام و ناکافی می دانند. فارغ از چالش های اجتماعی و فرهنگی، مسئله ای که کمتر به آن پرداخته شده، ابعاد اقتصادی مهریه در جامعه توری است. در ایران امروز، مهریه های سنگین دیگر صرفاً نماد فرهنگی یا سنت خانوادگی نیستند، بلکه در اقتصادی ثبات، به نوعی سپرده گذاری اجباری برای روز مبادا تبدیل شده اند. خانواده ها در تعیین مهریه، نه توان پرداخت فعلی مرد، بلکه پیش بینی تورم و ارزش سکه در آینده را در نظر می گیرند. در واقع مهریه به جای یک هدیه یا تعهد بیشتر شبیه یک صندوق سرمایه گذاری است. این روند فشار اقتصادی و قانونی را افزایش می دهد و ازدواج را به تصمیمی کاملاً اقتصادی بدل کرده است.

■ سرمایه شدن مهریه به سکه

در بسیاری از پرونده های دادگاه خانواده، مهریه به صورت سکه اعلام می شود و ارزش ریالی آن با نوسانات روزانه بازار طلا محاسبه می شود. نتیجه این است که مهریه به ابزار سرمایه گذاری تبدیل شده و نوسانات اقتصادی، اختلافات حقوقی و فشار بر سیستم قضایی را تشدید می کند. وقتی مهریه با سکه تعیین می شود، عدد آن غالباً از توان واقعی زوج فراتر می رود. اجرای احکام طولانی و پرهزینه می شود و حتی امنیت حقوقی زنان هم در عمل کاهش می یابد.



■ پیامدهای اقتصادی و حقوقی مهریه سنگین

حرف از تغییر قانون از هم اکنون باعث شده خانواده ها فکر تنظیم شروط ضمن عقد باشند که در بالاتر به آن اشاره شد. این تصمیم چند پیامد کلیدی دارد. اولاً شروط مالی و اقتصادی ضمن عقد گسترده تر می شود تا ریسک مالی جبران شود. دوماً خانواده ها برای ارزیابی توانایی پرداخت زوج، توجه بیشتری به درآمد، دارایی و ثبات شغلی او دارند در نتیجه شرایط ازدواج سخت تر و پیچیده تر از وضعیت فعلی می شود.

■ تغییر قانون، تنها راه حل ثانویه

بنابراین لازم است اصلاحات قانونی با بهبود روند دادرسی خانواده، تضمین اجرای مؤثر احکام مالی و غیرمالی، تقویت حمایت های اقتصادی زن در زمان طلاق و بازنگری در نفقه، اجرت المثل و حق حضانت همراه باشد.

به بیان ساده، قانون باید از «تک ستونی بودن» خارج شود.

رفتاری (مثبت یا منفی) حرکت کنند:

(الف) افزایش شروط ضمن عقد

وقتی مهریه محدود شود، خانواده ها ممکن است برای جبران حس کمبود امنیت، شرط تأمین مسکن، شرط حساب مشترک، شرط تقسیم دارایی، شرط سفر یا تحصیل، شرط اشتغال زن و شرط حضانت را تقویت کنند.

(ب) افزایش توجه به وضعیت اقتصادی و شغلی مرد در گذشته، مهریه سنگین نقشی شبیه «سپر بیمه ای» بازی و خانواده ها را نسبت به آینده اقتصادی مطمئن تر می کرد. با سبک شدن مهریه، احتمالاً خانواده ها بررسی های دقیق تری درباره ثبات شغلی، درآمد، دارایی و قابلیت اتکا انجام خواهند داد. به صورت کلی سخت گیری در امر ازدواج شکل خواهد گرفت.

(ج) ارتقای جایگاه مشاوره های حقوقی قبل از ازدواج

پیش بینی می شود بسیاری از زوج ها برای تنظیم شروط دقیق تر، به مشاوران حقوقی مراجعه کنند. این امر در ذات خود مثبت است، زیرا شفافیت حقوقی همیشه از ابهام و تعارف بهتر است.

(د) تغییر نگرش زنان جوان به امنیت ازدواج

مهریه با همه نقدهایی که به آن وارد است، برای بسیاری از زنان جوان نماد «حداقل امنیت» بوده است. اگر قانون مهریه را سبک کند، طبیعی است که زنان به دنبال شکل های جدید امنیت روانی و حقوقی باشند. این یعنی اصلاح مهریه مستقیماً «روح فرهنگی ازدواج» را هم دگرگون می کند و دقیقاً همان نقطه ای است که سیاست گذاری باید با دقت به آن نگاه کند.

۵- اصلاح مهریه با تقویت روند دادرسی

برای آنکه اصلاح قانون مهریه کارآمد باشد، باید روند دادرسی خانواده نیز تقویت شود. امروز بسیاری از چالش های مربوط به نفقه، حضانت، اجرت المثل یا مهریه، نه از متن قانون، بلکه از طولانی بودن دادرسی، دشواری اثبات، هزینه های مالی پیگیری و تفاوت واقعی قدرت دو طرف ناشی می شود. وقتی قانون مهریه سبک شود، اما روند رسیدگی در دادگاه خانواده سریع تر، کم هزینه تر و قابل اتکاتر نشود، عملاً تعادل برهم می خورد. به بیان ساده اصلاح مهریه باید همزمان با اصلاح عدالت خانواده باشد تا به توازن برسد.

■ تعادل حقوقی، کلید موفقیت اصلاحات مهریه

اصلاح قانون هم برای کاهش بار دادگاه ها، هم برای جلوگیری از نوسان های اقتصادی و هم برای نزدیک کردن مهریه به کارکرد واقعی خود ضرورتی بدیهی است، اما موفقیت این اصلاحات در گرو سه اصل اساسی است. ابتدا ایجاد توازن حقوقی که در واقع اگر مهریه سبک شود، حمایت های دیگر باید پررنگ تر شوند و تعادل باید در همه ستون های حقوق خانواده برقرار باشد.

دوم توجه به رفتار اجتماعی مردم است که در واقع قانون باید پیش بینی کند که مردم چگونه به اصلاحات واکنش نشان می دهند. روندهای جدید مثل افزایش شروط ضمن عقد یا حساسیت بیشتر نسبت به وضعیت اقتصادی، بخشی طبیعی از این تغییر هستند و باید در سیاست گذاری دیده شوند. در نهایت تقویت نهادهای حمایتی و دادرسی که اصلاح مهریه بدون اصلاحات دادرسی خانواده، ناقص خواهد بود. مردم زمانی با مهریه سبک همراه می شوند که اعتماد کنند سایر نهادهای کارآمد و حمایتگر هستند. بنابراین، هدف اصلاح مهریه نباید صرفاً سبک سازی یک عدد باشد، بلکه باید با طراحی یک ساختار حقوقی پایدار و متوازن باشد که هم کرامت زن را حفظ کند، هم مسئولیت مرد را منصفانه تر کند و هم خانواده را در برابر بحران های احتمالی مقاوم تر سازد. قانون اگر درست اجرا شود، نه تنها بار نظام را کم می کند، بلکه رفتار مردم را به سمت قراردادهای روشن تر، تصمیم های مسئولانه تر و ازدواج های پایدارتر هدایت خواهد کرد.

از همه جهت فرد را مورد تأیید قرار دهد.

باین همه باید گفت بازنشستگی برای همه پایان کار نیست اما برای قضات بازنشسته نه تنها پایان کار نیست، بلکه امتیازی ویژه است که پیامدهایی را هم به دنبال دارد. در واقع ورود بی ضابطه قضات بازنشسته به حرفه وکالت، اگر چه می تواند با تجربه و دانش قضایی همراه باشند، در غیاب نظارت و محدودیت قانونی، زمینه ساز رانت، تبعیض و انحراف عدالت می شود. ماده ۸۰ لایحه استقلال کانون



و کلا که بیش از ۶۰ سال از تصویب آن می گذرد، دیگر پاسخگوی شرایط ضروری برای حفظ سلامت اجتماعی نیست و اصلاح آن با در نظر گرفتن محدودیت زمانی و ظرفیت سالانه، اقدامی دشوار برای حفظ سلامت دستگاه قضایی و اعتماد عمومی محسوب می شود.

وکالی دادگستری است که به سال ۱۳۳۳ برمی گردد. طبق این ماده کانون وکلا در سه بخش موظف به اعطای پروانه و کالت شده است: افراد دارای سابقه خدمات قضایی به مدت ۱۰ سال متوالی یا ۱۵ سال متناوب، کسانی که پنج سال سابقه قضاوت داشته باشند و نمایندگان مجلس برخی معتقدند استناد به چنین قانونی در سال هایی که تعداد فارغ التحصیلان حقوق متناسب نیاز جامعه نبود، لازم به نظر می رسد، اما اکنون با وجود بیکاری فارغ التحصیلان این رشته چنین قانونی باید اصلاح شود. همان زمان، یعنی سال ۹۷ عیسی امینی در صحبت های خود با «جوان» گفته بود: به صورت فرضی از سال ۷۳ تا امروز اگر سالی ۱۵۰ نفر در کانون مرکز در نظر بگیریم، در این ۲۳ سال بیش از ۳ هزار و ۶۰۰ نفر بازنشسته جنب کانون شدند.

■ منافع با اصول قانون اساسی

موضوعی که شاید منافاتی با اصل ۲۸ قانون اساسی هم داشته باشد، اما رئیس وقت کانون وکلا در نهایت خود را مجری یک قانون دانسته و بین کرده بود: همان مجلسی که آن قانون را وضع کرد، می تواند حذف و اصلاح کند. در ادوار مختلف مجلس نسبت به اصلاح و مزایای خود اقدام کردند، لذا این مورد هم بخشی از همان موارد است.

حال آنکه اصل براسری مصرح در اصل ۱۹ قانون اساسی و تصریح اصل سوم این قانون، در منع رفع تبعیض نیز ایجاب می کند تا قضاتی که قصد وکیل شدن دارند با وکلایی که قاضی نبوده اند، برابر باشند.

لذا باید محدودیت و حساسیتی در این زمینه ایجاد کرد، یعنی یک ممنوعیت پنج ساله از وکالت وجود داشته باشد تا شباهیه نفوذ را به وجود نیاورد و قضات پنج سال پس از بازنشستگی حق فعالیت در عرصه وکالت داشته باشند.

البته که راهکارهای پیشنهادی امینی برای حل این ماده واحد به سه محور قابل اهمیت خلاصه می شود؛ یکی تعیین ظرفیت سالانه برای اعطای پروانه به وکالت قضات بازنشسته، دیگری مستثنایان قانونی و آخری هم سختگیری در پروسه استعلام سوابق قضایی است که باید

اگر یکی از ستون های امنیت حقوقی سبک شود، باید ستون های دیگر تقویت شوند تا سقف ساختار خانواده محکم بماند. این رویکرد نه انتقادی و نه سیاسی بوده، بلکه یک نگاه «تعادل محور» و «حقوقی» است که در همه نظام های موفق حقوق خانواده دیده می شود.

جوادی آملی در بخشی از این دیدار با رئیس قوه قضائیه در باره آثار اعمال قضات بر نزول بر کات افزودند: در روایات هست که اگر یک قاضی حکمی را میان خود و خدای خود، الهی و درست صادر کند و آلودگی های زیرمیزی و رومیزی نداشته باشد، دهها برابر برکت بر جامعه نازل می شود. همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که اگر دستگاه قضا منحرف شود و ظلم کند، جلوی نزول باران و برکات الهی گرفته می شود. این سخنان، بیانی علمی و الهی است و فهم عمیق نظام خلقت و توجه به نشانه های الهی، مسئول را از انحراف باز می دارد.

آیت الله جوادی با هشدار نسبت به برخی آسیب هایبان کردند: بخشی از آسیب های قضایی از ناحیه افرادی است که پس از بازنشستگی وارد حوزه وکالت می شوند و اگر اهل تقوا نباشند، می توانند منشأ فساد باشند. ایشان افزودند: دستگاه قضا اگر بین الله و بین الناس درست عمل کند، برکت فراوان خواهد داشت.

■ وکیل شدن قضات فساد آور است

این در حالی است که سال ۹۷ «جوان» در گفت وگویی با عیسی امینی، رئیس وقت کانون وکلا از مفسده های اعطای کیلویی پروانه وکالت به اشخاص خاص از جمله قضات بازنشسته نوشت. انتقاد رئیس کانون وکلای دادگستری از صدور پروانه وکالت برای قضات بازنشسته پنهانی شد تا درباره یک قانون قدیمی با وی به مذاکره و گفت وگو بنشینیم. مطلب قابل اهمیتی که حتی سخنگوی قوه قضائیه وقت هم آن انتقاد کرد و آذر سال ۹۷ در نشست خبری خود با خبرنگاران ضمن بیان مثالی در پرونده بابک زنجانی مبنی بر اینکه چهار وکیل شاکي پرونده بابک زنجانی بابت ۲۶ جلسه یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون گرفتند، گریزی به فعالیت قضات بازنشسته به عنوان وکیل زد و گفت: «وقتی قاضی بازنشسته بدون هیچ شرطی وکیل می شود، این کار ایجاد رانت می کند.»

قانونی که به آن استناد می شود، ماده ۸ لایحه استقلال قانونی کانون

فساد ورود قضات به وکالت بعد از بازنشستگی

ورود قضات بازنشسته چگونه تعادل نظام وکالت را به چالش می کشاند؟

■ گندم زمانی

تقوا و نظارت به گلوگاهی برای نفوذ، تبعیض، رانت و انحراف عدالت تبدیل می شود. به تعبیر آنان، «هیچ وکیلی به اندازه قاضی بازنشسته راهای پنهان و پیدای نظام دادرسی را نمی شناسد» و همین آگاهی می تواند زمینه ساز سوءاستفاده های گسترده باشد. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است «یا زمان اصلاح قانونی که در سال ۱۳۳۳ برای شرایطی کاملاً متفاوت نوشته شده، فرا نرسیده است؟» قانونی که به گفته امینی، رئیس وقت کانون وکلا در سال های تدوین شد که جامعه با کمبود متخصص حقوقی مواجه بود، اما امروز در حالی پابرجاست که ۴۰ درصد فارغ التحصیلان حقوق بیکارند و نظام قضایی به شفافیت و سلامت بیشتری نیاز دارد. اکنون که نقدهای اخلاقی و فقهی آیت الله جوادی آملی در کنار دغدغه های حقوقی مدیران کانون وکلا قرار گرفته، ضرورت بازخوانی مبانی قانونی این موضوع بیش از هر زمان احساس می شود؛ بازخوانی ای که ممکن است همراه با تحولی بنیادین در ورودی های حرفه وکالت باشد؛ تحولی که سلامت دستگاه قضا و اعتماد عمومی را هدف گرفته است.

■ هشدار نسبت به آسیب ورود قضات در حوزه وکالت

حجت الاسلام ازهای، رئیس قوه قضائیه صبح پنج شنبه ۲۲ آبان با حضور در بیت آیت الله جوادی آملی با ایشان دیدار کرد. آیت الله